

# ما و مدرنیت

داریوش آشوری

www.ketab.ir

آشوری، داریوش، ۱۳۱۷ -

ما و مدرنیته / داریوش آشوری، [ویراست ۲] - تهران:

موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۴.

۳۸۷ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. ایران - تمدن - تاثیر غرب. ۲. شرق و غرب. ۳. نژدد. ۴.

روشنفکران - ایران. ۵. جامعه شناسی سیاسی. ۶. مقاله های فارسی.

- قرن ۱۴. الف. عنوان.

۳۰۴/۴۸۲

DSR۶۵ / ۲۴۵

۱۳۸۴

م ۸۶،۳۰۰،۷۰

کتابخانه ملی ایران

ISBN 964-5633-16-8

شابک ۸-۱۶-۵۶۳۳-۹۶۴



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۶ آذر، کوچه بهنام، شماره ۳۶، تلفن: ۶۶۴۱۹۸۰۸، فاکس: ۶۶۹۵۲۰۱۲

[www.serateci.com](http://www.serateci.com)

[info@serateci.com](mailto:info@serateci.com)

ما و مدرنیته

داریوش آشوری

طرح جلد: محمد فدایی

نوبت چاپ: سوم / زمستان ۸۴

چاپ و صحافی: سبحان

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۸۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است

## فهرست

|     |                                                     |
|-----|-----------------------------------------------------|
| ۱   | ۱. سنت و پیشرفت                                     |
| ۱۳  | ۲. هشیاری تاریخی                                    |
| ۴۳  | ۳. دگرگونی مفهوم دولت در جهان سوم                   |
| ۵۵  | ۴. شرق و غرب                                        |
| ۶۹  | ۵. ایران شناسی چیست؟                                |
| ۸۷  | ۶. در آمدی به معنای جهان سوم                        |
| ۱۰۷ | ۷. دولت                                             |
| ۱۳۳ | ۸. نظریه‌ی غرب‌زدگی و بحران تفکر در ایران           |
| ۱۴۳ | ۹. ظاهر و باطن تجربه‌ی تاریخی ما در رویارویی با غرب |
| ۱۵۷ | ۱۰. جان پریشان ایران                                |
| ۱۷۵ | ۱۱. ایران: از امپراتوری به دولت - ملت               |
| ۱۹۵ | ۱۲. تاریخ، رؤیا، کابوس                              |
| ۲۰۵ | ۱۳. ایدئولوژی، اخلاقیات و فرهنگی                    |
| ۲۲۷ | ۱۴. مدینه‌ی انسانی                                  |
| ۲۴۵ | ۱۵. شرق و غرب                                       |
| ۲۶۳ | ۱۶. ما و مدرنیته                                    |
| ۳۰۵ | ۱۷. اسطوره‌ی فلسفه در میان ما                       |
| ۳۵۵ | ۱۸. گفت - و - گو با داریوش آشوری                    |
| ۳۷۵ | ۱۹. مشکل زبانی ما                                   |

## دیاچه

این مجموعه‌ی مقاله‌ها گزیده‌ای است از نوشته‌های من که دوره‌ای بیست و پنج ساله از کار نویسندگی مرا از ۱۳۴۵ تا نزدیک ۱۳۷۰ را در بر می‌گیرد. آنچه این مجموعه را گرد هم آورده کم - و - بیش یگانگی درونمایه‌ی آن است که پیرامون مسأله‌ی اساسی روزگار ما می‌گردد؛ اینکه ما کیستیم و در میدان تاریخ جهانی (و نیز جغرافیایی آن) کجا قرار داریم و در این دو قرن، که تاریخ ورود ما به میدان تاریخ جهانی است، بر ما چه گذشته است. درین میانه تنها یک مقاله‌ی بلند، «ایدئولوژی، اخلاقیات و فرهنگ» و دنباله‌ی آن «مدینه‌ی انسانی» از این مجموعه جداست. این دو مقاله بخشی است از یک طرح بلند برای تحلیل مفهوم ایدئولوژی و نسبت آن با «وضع بشری» و جامعه‌ی انسانی. این طرح حدود سال ۱۳۵۵ به ذهن من آمد، هنگامی که غوغای ایدئولوژی در میان ما بالا گرفته بود و از جمله دین در مقام

ایدئولوژی مطرح شده بود. من این مقاله‌ها را که در واقع قرار بود رساله‌ای شود در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۵۹ - ۱۳۵۵ نوشتم، اما سرانجام طرح به نظر نام بسیار بلندپروازانه آمد. و آن را گریزی دیدم نه در خوردن خود و جامعه و زمانه‌ی خود؛ و ره‌ایش کردم. اما از میان آنچه نوشته شده بود دو فصل را در ساله‌های ماندگاری در امریکا در یکی از نشریه‌های فارسی زبان آنجا در حوزه‌ی علوم اجتماعی، به نام کنکاش، چاپ کردم و به همین مناسبت در این مجموعه گنجاندم. در این مقاله اشاره‌هایی به فصل‌هایی دیگر هست که به صورت دستویس نزد من مانده‌اند و به نشرشان رغبت نکرده‌ام. باری، یکی از دلایل کنار هم قرار گرفتن این مقاله‌ها این است که گذشته از آنکه به حوزه‌ی علوم اجتماعی و فلسفه تعلق دارند، در طول این سه دهه اینجا و آنجا به چاپ رسیده‌اند.

این مقاله‌ها را می‌توان به دو دسته‌ی پیش و پس از انقلاب ۱۳۵۷ بخش‌بندی کرد. «انقلاب اسلامی» یکی از رویدادهای بزرگ این قرن نه تنها در پهنه‌ی کشور ما که در پهنه‌ی جهانی است و بازتاب آن را در بخش بزرگی از جهان می‌توان دید. بنابراین، جای شگفتی نیست اگر که بر ذهن یکی از اهل قلم و اندیشندگان این سرزمین نیز اثری ژرف نهاده باشد. اندیشیدن به معنای این انقلاب و پیامدهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آن ناگزیر درگیری ذهنی جامعه‌ی روشنفکری ما بوده است و خواهد بود، زیرا هنوز تا دهه‌ها و نسل‌های دیگر شاهد این پیامدها خواهیم بود. به همین دلیل چرخشی در زبان گفتار و دیدگاه این مقاله‌ها به چشم می‌خورد که برخاسته از پیامدهای این واژگونی عظیم در چشم‌انداز تاریخی ماست.

عنوان این مجموعه اگرچه به ابتکار ناشر آن ما و مدرّیّت گذاشته شده، ولی در رنگی در این مجموعه و گفت - و - گوی آخر آن - که باز به همّت ناشر در آن گنجانده شده است - حرکت در سه حوزه از گفتمان‌های سیاسی و فرهنگی و فلسفی این سه دهه را نشان می‌دهد: نخست گفتمان «شرق و غرب» که در دهه‌ی چهل تا دهه‌ی پنجاه در میان حوزه‌هایی از فضای روشنفکری و «فلسفی» - با بهتر است بگویم فلسفی - نمای - ما جریان داشت؛ دیگر، گفتمان «جهان سوم» که به وضعیّت ما در رابطه با

جهان یکم و دوم - پیش از نابودی این دومین - مربوط می شد؛ و سه دیگر، گفتمان «مدریت» که از دیدگاهی تازه به مسأله‌ی رابطه و نسبت ما با «غرب» می پردازد.

گفتمان «شرق و غرب» در جوار جهاد ضد امپریالیستی جهان سومی در فضایی پرمیاهو و آکنده از تنش سیاسی در زیر سرکوب رژیم شاه شکل گرفت که اگر چه می خواست به خود رنگ «فلسفی» بدهد و چهره‌ای فیلسوفانه به خود بگیرد، ولی در حقیقت چیزی جز بازتاب گیر - و - گرفتاریهای روشنفکری جهان سومی نبود که بی تابانه می خواست خود را از وضعیت پرحقارت خود در برابر مدل اصلی خود در «غرب» آزاد کند. ستیزه جویی آن با «غرب» چیزی جز آن روی سکه‌ی تسلیم بی قید - و - شرط «منورالفکری» پیش از آن نبود. این ستیزه جویی و جست - و - جوی هویت اصالت «خود»، خواه در قالب «غرب زدگی» آل احمد و نوشته ها و سخنرانی های دراز دامن علی شریعتی، خواه در قالب نرم - و - نازک و خوش رنگ - و - لعاب تر برخی از فیلسوفان «شرق و غرب بازمان» در حقیقت چیزی جز بازتاب در ماندگی ها و پرخاش جویی های روشنفکری جهان سومی نبود. و بر این ها می باید گفته های نانوشته ی احمد فردید را هم افزود که در آن روزگار هم در ذهن آل احمد و دیگران و از جمله من اثری انگیزاننده نهاده بود. این گفتمان چیره ی زمانه مرا نیز سخت به خود مشغول داشته بود و اگر چه جست - و - جوی «شرق» گم شده مرا نیز وسوسه می کرد، اما تردیدی در نهایت درباره ی امکان آن در دلام بود که در مقاله های همین دوره نیز بازتابه است. حاصل اندیشه ها و نگرانی های این دوزان را در مقاله های «سنت و پیشرفت»، «هشیاری تاریخی»، «دگرگونی مفهوم دولت در جهان سوم»، «شرق و غرب»، و «ایران شناسی چیست» می توان دید.

مقاله ی «درآمدی به معنای جهان سوم» و مقاله ی دنباله ی آن «دولت» که در حدود ۱۳۶۰ نوشته شده هم نشانی از غم غربت شرقی در خود دارد و هم در زیر ضرب پیام «قاصد تجربه های همه تلخ» می خواهد واقعیت ما را در ژرفنای وضعیت تاریخی ما ببیند. چند مقاله ی بعدی - که نخست در این دهه در مطبوعات خارج از کشور چاپ شده اند - دنباله ی همین جست - و - جوست؛ کاوشی در ژرفنای وجود «ما» و

تلخکامی این زندگانی ناکام که به تهی دستی و شکست خود اقرار دارد.  
به جای این دیباچه‌ی سربسته و فشرده می‌بایستی پیشگفتاری بلند بر این مجموعه  
می‌نوشتیم ولی با کدام صبری در این گوشه‌ی غربت.

داریوش آشوری

توکیو - مارس ۱۹۹۷